

Principles of Environment Protection and International Environmental Cooperation in Islam¹

Masha'Allah Heidarpour¹, Moslem Sanei²

1. Assistant Professor, International Relations, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

mashallah.heidarpour@gmail.com

2. PhD. Student, International Relations, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding author**). *moslem.sanei@gmail.com*

Abstract

The purpose of the present study is to review principles of environment protection and international environmental cooperation in Islam. Using some theoretical principles in Islam, this research recognizes nature as the blessing of God and that humans should apply the best methods to sustain the life of their own and all other creatures. Moreover, such an insight associates human beings with the source of creation so when confronted with nature and environmental issues, in addition to following Islamic regulations and principles, humans connect with religion by ration and narration. Regarding practical aspects, by making a reference to Islamic regulations and principles, Islam has rules and disciplines in terms of environment that act as serious obstacles against environmental crises. Principles such as Ibāhah (permission) and the necessity of keeping a balance in nature, expediency and *lā zarar* (no harm), *Itlāf* (direct harm) and *tasbib* (indirect harm) as well as the approach of wise scholars all determine and prove the responsibility of the mass of people in preventing damage to the environment and avoiding environment pollution and also explain how much we are allowed to exploit the environment.

Keywords: Environment, International Environmental Cooperation, Nafy-e Sabil (Denying the Domination of Unbelievers over Believers), Nature.

1. Received: 2020/10/23 ; Revised: 2021/01/31 ; Accepted: 2022/03/11

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary

مبانی حفظ محیط زیست و همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی در اسلام^۱

ماشاءالله حیدرپور^۱، مسلم صانعی^۲

۱. استادیار، روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mashallah.heidarpour@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). moslem.sanei@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مبانی حفظ محیط زیست و همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی در اسلام است. این پژوهش با استفاده از مبانی اسلامی در بخش نظری، طبیعت جهان را از مواهب الهی دانسته که باید انسان برای حفظ حیات و بقای خویش و تمامی موجودات بهترین روش را در بهره‌برداری از آن بکار گیرد. در عین حال این بینش، آدمی را با مبدء هستی پیوند داده و در مواجهه با طبیعت و مسائل زیست‌محیطی علاوه بر تبعیت از قواعد و اصول اسلامی، اتصال و ارتباط با شریعت را با وصف عقل و نقل برقرار می‌سازد. در بُعد عملی با استناد به قواعد و اصول اسلامی بیان شده، اسلام، احکام و دستوراتی در حوزه محیط زیست دارد که هر کدام از آن‌ها مانع جدی در به وجود آمدن بحران‌های زیست‌محیطی خواهد بود. اصولی چون اصل اباحه و لزوم حفظ توازن در طبیعت، اصل مصلحت و قواعدی چون قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده تسبیب و سیره عقلاء، مسئولیت‌های آحاد افراد بشر را در جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست و همچنین میزان بهره‌برداری از آن را تعیین و اثبات می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: محیط زیست، همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، قاعده نفی سبیل، طبیعت.

۱. حیدرپور، ماشاءالله؛ صانعی، مسلم (۱۴۰۱). مبانی حفظ محیط زیست و همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی در اسلام. *سیاست متعالیه*.

DOI: 10.22034/sm.2022.137876.1617.۲۷-۲۵۵-۳۶۱۰ ص ۲۵۵-۲۷

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

۱. مقدمه

مسئله محیط زیست، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دنیای کنونی است. بشر برای حیات و بقای خویش به ناچار باید مرزها و تعهدات زیست محیطی را در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی رعایت کند تا از آسیب‌های احتمالی در امان باشد. از این‌رو، حفظ و حراست از محیط زیست نه تنها یک وظیفه فردی است، بلکه وظیفه‌ای اجتماعی بوده که مورد توجه تمامی مکاتب الهی و بشری قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت حفظ محیط زیست و منابع طبیعی برای بقاء انسان و سایر موجودات، مدیریت، ساماندهی و تدوین نظام حقوقی برای آن از ضروریات می‌باشد و هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد بود. علاوه بر لزوم عقلی و عرفی حفاظت از محیط زیست و پرهیز از آلودگی و تخریب آن، ادیان الهی و مکاتب مختلف نیز با جهت دادن به رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها درصدد ارائه الگو و مدل مناسب در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست برآمده‌اند. دین اسلام نیز در این راستا مجموعه‌ای از اصول کلی و احکام عملی را ارائه نموده است.

این اصول کلی و احکام عملی از دوره قابل دریافت است:

۱. **مستقیم:** متون و معارف دینی که با صراحت مسأله محیط زیست - به عنوان مثال حقوق حیوانات - را مطرح و مقررات و راهکارهای لازم را ارائه نموده است.

۲. **غیرمستقیم:** عناوین و موضوعات نوپدید مانند مسائل محیط زیست با مراجعه به قواعد و اصول کلی موجود، قابل تطبیق و دستیابی هستند.

از آنجایی که مسلمانان جمعیتی قابل ملاحظه در جهان معاصر بوده و بسیاری از دینداران در تلاش هستند تا بر اساس آموزه‌های دینی، رفتار خود را شکل دهند، لذا ضرورت تبیین شناخت محیط زیست و حفاظت از آن برای جامعه اسلامی، امری لازم شمرده می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر با استمداد از دانش فقه، قوانینی از لابه‌لای قواعد و اصول کلی اسلام استنباط و استخراج نموده که به اهمیت توجه به محیط زیست و حفاظت از آن پرداخته است. امید است مقدمه‌ای برای گام‌های عملی در حوزه محیط زیست و همکاری‌های بین‌المللی مرتبط با آن باشد.

۲. حفظ محیط زیست در اسلام

در تعیین نوع نگاه انسان در استفاده از طبیعت و کیفیت تعامل با زیستگاهش، از دیدگاه معرفت‌شناسانی

علاوه بر تجربه و شناخت حسی، تعالیم و حیانی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. لذا، انسان معتقد به این امر، تلاش می‌کند حرکت تکاملی خود را با آن تعالیم پیوند داده و از قواعد آن پیروی کند. این موضوع او را ملزم به مراجعه به شریعت و استخراج قواعد و دستورالعمل‌ها با وصف عقل و نقل می‌کند.

از منظر هستی‌شناسانه اسلامی، جهان مخلوق خالقی یگانه است، «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر، ۶۲) و غایتمند «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰)، که جهان را زمینه‌ای برای پرورش و تکامل انسان قرار داده است، «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ... لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود، ۷). در این اندیشه، انسان جانشین خداوند در زمین است «... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره، ۳۰)، که در جهت حفظ و بقای خود در مدت حیات، برای رسیدن به کمال خود از طبیعت بهره‌مند می‌گردد، «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ...» (قصص، ۷۷) و هرگونه زیاده‌روی و دخل و تصرف بی‌رویه از طبیعت را گناه دانسته «... كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف، ۳۱) و اهتمام به حفظ محیط زیست را طاعت و مایه سعادت ابدی تلقی می‌کند. بر این اساس نحوه و میزان استفاده از طبیعت را در قالب احکام و دستورالعمل‌هایی تعریف نموده است.

۳. قواعد و اصول اسلامی ناظر بر حفظ محیط زیست

در این بخش مجموعه‌ای از قواعد و اصول اسلامی که قابلیت تطبیق بر مسایل مختلف زیست محیطی اعم از حفظ و حراست از محیط زیست، مسئولیت حقوقی و کیفری تخریب آن و... را دارند، مطرح می‌شوند. لازم به ذکر است که عام بودن این اصول و قواعد، قابلیت تفریع آن‌ها در مسائل مختلف زیست محیطی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف را هموار می‌سازد.

۳-۱. اصل اباحه و لزوم حفظ توازن در طبیعت

بر اساس اصل اباحه، تمام اشیاء و موضوعات حلال و مباح هستند، مگر حرمت آن به صورت قطعی و یقینی اثبات شده باشد که در این صورت، ترک آن الزامی است. طبق این اصل که عقل آدمی سرمنشاء تشخیص آن می‌باشد، انسان در استفاده از منابع طبیعت، به هر طریقی که می‌تواند، مجاز است در آن‌ها تصرف نماید، مگر آنکه تصرف به گونه‌ای باشد که مشمول حکم ممنوعیت یا حرمت شود.

یکی از لوازم خلقت در نظام أحسن، رعایت حدود و اندازه خاص هر مخلوق است. حقیقتی که در برخی آیات بدان اشاره شده، «وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان، ۲) که منشأ نظام منسجم در جهان

هستی است. بنابراین، اراده خداوند بر توازن و هماهنگی در تکوین تعلق گرفته که در تشریح نیز وجوب حفظ هماهنگی و توازن در طبیعت را از انسان اراده نموده است. لذا، ملازمه میان اراده تکوینی و تشریحی خداوند، هر اقدامی که موجب برهم خوردن تعادل و انسجام طبیعت و اختلال در چرخه زیست محیطی شود، در فقه اسلامی مصداق کراهت یا حرمت خواهد بود (عمیق و حسینی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۵).

۳-۲. اصل مصلحت

اندیشمندان اسلامی در مواردی که پای مصالح زندگی اجتماعی مردم و دفع شرور و ناگواری‌ها از زندگی اجتماعی در میان باشد، مانند مشارکت و اشتغال در مشاغلی که حفظ نظام معیشتی مردم بر آن استوار است و موجب جلوگیری از اختلال در آن می‌گردد، حکم به وجوب نموده‌اند و معتقدند پرداختن به این امور، برای هر کسی که برایش مقدور باشد، واجب کفایی است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۳۷). بدون شک تأمین حیات، رفاه و معیشت نظام اجتماعی از مهم‌ترین مصلحت‌ها بوده که بی‌توجهی، تخریب و آلوده‌سازی و یا بهره‌برداری بی‌رویه و نامناسب از منابع طبیعی کره زمین همچون آب و هوا و عدم توجه جدی به حفاظت از خاک، خسارات جبران‌ناپذیری بر حیات و بقای بشر بر جای می‌گذارد. امروزه و با توجه به گسترش فعالیت‌های صنعتی در جهان، به آسانی قابل درک است که روند استفاده نامطلوب از منابع طبیعی چه آثار زیانباری را در مناطق مختلف برجای گذاشته و زندگی بشر را در ابعاد گوناگون به مخاطره انداخته است. بنابراین، با در نظر گرفتن اصل مصلحت، به ویژه در مواردی که حیات جامعه و دوام و بقای آن متوقف بر آن است، می‌توان قوانین و اصولی استنباط و استخراج نمود.

۳-۳. قاعده لاضرر

از جمله قواعد راه‌گشای اسلام که باعث جلوگیری از بسیاری آسیب‌ها می‌گردد و متأسفانه زیر چتر سایر قواعد و مقررات پنهان شده است، قاعده لاضرر است. این قاعده مستند به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره و روایات متعدد، عقل و اجماع است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۲۵۷).

قاعده لاضرر از آن جهت که دامنه وسیعی در نفی انواع و اقسام ضرر و زیان دارد، می‌توان از آن در حوزه محیط زیست نیز بهره برد. از ویژگی‌های ممتاز این قاعده، حکومت و اشراف آن بر تمامی احکام و افعال فردی و اجتماعی است. بنابراین، با این قاعده می‌توان تمامی افعال و یا ترک فعلی که منجر به ایراد ضرر و زیان بر طبیعت گردد را مسدود نمود.

با در نظر گرفتن قاعده لاضرر، ضرر زدن به یکدیگر از دیدگاه شرع، ممنوع و حرام است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۲۱۶). طبق دیدگاه امام خمینی، بر اساس این قاعده، تخریب یا اتلاف محیط زیست، ضرر به دیگران تلقی شده و منفی و حرام است، زیرا استفاده از محیط زیست، حق تمام انسان‌ها است (محمدزاده رهنی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۹). بنابراین، فرد و حکومت، در حوزه تصرفات منابع طبیعی، مطلق العنان نبوده و هر فعالیتی که منشاء ضرر به محیط زیست باشد، ممنوع و قابل تعقیب است.

۳-۴. قاعده اتلاف و قاعده تسبیب

قاعده اتلاف: هر که مال دیگری را بدون اجازه او تلف، مصرف یا بهره‌برداری نماید، ضامن صاحب مال است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۳). حکم اولی و تکلیفی در اتلاف مال دیگری، حرمت و از جهت وضعی نیز ضمان است. این قاعده مورد اتفاق جمیع مسلمانان و نیز عقلای عالم با هرگونه اعتقادی است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۳۲).

قاعده تسبیب: معنایی نزدیک به «قاعده اتلاف» دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق: ج ۲، ص ۳۸)، با این تفاوت که در اتلاف، خسارت به صورت مستقیم وارد می‌شود، اما در تسبیب، به طور غیرمستقیم است. همچنین در اتلاف انجام عملی که موجب زیان است، فقط مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در تسبیب، فعل و ترک، هر دو مورد توجه هستند. در مورد ضمان ناشی از تسبیب، اختلافی بین فقها نیست (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۷، ص ۴۶).

این دو قاعده با توجه به دائره شمول آنها، علاوه بر جریان آن در روابط شخصی و فردی، در محیط زیست که سهامدار آن تمام افراد و آحاد بشر هستند نیز نمود عینی و جدی پیدا می‌کنند. رهیافت این دو قاعده در حوزه محیط زیست، وادار کردن تمام افراد، نهادها و حکومت‌ها به رعایت حقوق طبیعی منابع و سرمایه‌های زیست محیطی حتی نسبت به آیندگان است. با این ملاک و میزان، اگر فرد یا نهادی به هر طریقی، باعث و یا زمینه‌ساز خسارت و آسیب به طبیعت گردد، علاوه بر حرمت تکلیفی فعل، ضامن جبران نیز خواهد بود و متولیان امر حفاظت از محیط زیست در تعقیب مرتکبین خلاف، با دریافت خسارت، بر مجازات فرد یا نهاد خاطی مصمم خواهند بود.

تخریب جنگل به واسطه ترک مسئولیت از سوی جنگل‌بانان یا تلف شدن حیوانات به سبب نرسیدن غذا به آنان، از موارد تسبیب بشمار می‌آید.

۳-۵. سیره عقلاء

سیره عقلاء در جایی که بر اساس عقل سلیم شکل گرفته و اثبات شود و شارع نیز آن را رد نکند، حجت بوده و به عنوان دلیل شرعی به آن استناد می‌شود. از آنجا که عقلاء وجود طبیعت سالم را نیاز حیات بشر در حال و آینده می‌دانند و بر حفظ و حتی توسعه و ترمیم آن برای بقاء و استمرار زندگی، لازم و ضروری می‌شمارند، لذا روشن است که حفاظت و عدم تخریب آن از ضروریات به حساب آید. همچنین با این ایده و شیوه عقلایی، راهکارها و برنامه‌های مدیریتی برای حفظ محیط زیست شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و دوام و قوام قوانین حفظ محیط زیستی را تأمین و تسریع می‌کند.

۴. دستورالعمل‌ها و راهکارهای اسلام جهت حفاظت از محیط زیست

در حقیقت پیش از آنکه دین یا آیینی بر لزوم همگون‌سازی رفتار بشر با طبیعت، برنامه و دستورالعملی ارائه کند، عقول بشری بر ضرورت و اهمیت سلامت طبیعت و محیط زیست برای بقای حیات در زمین مهر تأیید زده و الزامات و راهبردهایی را متعهد شده است.

در ادامه به برخی از تعالیم دین اسلام در راستای این امر فطری و عقلانی اشاره می‌شود.

۴-۱. توصیه به استفاده صحیح از طبیعت به اشکال مختلف

همان‌طور که اشاره شد، اصل اباحه یا جواز و نیز آزادی و اختیار انسان، امکان بهره‌برداری و تصرف در طبیعت را به انواع گوناگون، برای انسان مجاز شمرده است. البته اطلاق که از این اصل بدست می‌آید، بدون تقید هم نیست، بلکه موارد ممنوعه‌ای از تصرفات نیز از این اطلاق و اصل، خارج بوده و شرع مقدس بر حرمت آن‌ها تأکید ورزیده است. از سوی دیگر، گردش و سیر در طبیعت که از نعمات و امانات الهی محسوب می‌شود، تأثیر بسیار مثبتی بر تجدید قوای انسان در کار و تلاش، آرامش و آسایش روحی و جسمی دارد. همچنین باعث نشاط فردی و جمعی در جامعه انسانی خواهد بود، علاوه اینکه برای تأمین نیازهای مختلف، اعم از تغذیه، بهداشت و سلامت، پوشاک، امنیت و انرژی و... بشر، راهی به جز استفاده از منابع طبیعی ندارد. پروردگار توانا و حکیم نیز بر مهیاء بودن این منابع و در اختیار قرار دادن آن‌ها برای تأمین نیاز بشر، تأکید دارد، «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹). از یک‌سو، اسلام به کرات به سیر در طبیعت توصیه و تشویق کرده است و از سوی دیگر به حفظ این امانات، توسعه و آبادی و پایداری آن‌ها سفارش اکید دارد «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱).

۴-۲. حرمت اسراف و تبذیر در بهره‌برداری از منابع زیست محیطی

حرمت اسراف و تبذیر از امور مسلم در فقه اسلامی بوده (نراقی، ۱۴۱۷ق: ص ۶۱۵) که در آیات وحی بدان اشاره شده است، «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱). طبیعت سرمایه اصلی و حیاتی تمامی موجودات است. همان‌طور که حفظ سرمایه در بُعد جزئی و مسائل خرد، اعم از ماکولات و مشروبات و... در زندگی افراد، امری معقول و مورد تأکید دین اسلام و شریعت اسلامی است، در ابعاد بزرگ‌تر و کلان نیز امر عینیت بیشتری دارد، و در مسائل کلانی چون استفاده از طبیعت و محیط زیست به جهت آنکه زندگی و بقای جمع کثیری و در برخی امور زندگی همگان به آن وابسته است، ضرورت حفاظت از آن مسائل کلان، ضامن تداوم حیات بشر و نیز بهره‌مندی آیندگان از میراث خلقت خواهد بود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «اموال همه از آن خداست که نزد انسان‌ها امانت بوده و اجازه تصرف در آن‌ها به انسان داده شده است که بخورند، بنوشند، بپوشند، ازدواج نموده و سوار بر مرکب شوند، اما مقتصدانه و معتدانه. مازاد نیاز را به مؤمنین فقیر دهند و مقداری را نیز برای اصلاح امور زندگی و حل مشکلات ذخیره نمایند. پس، هر کس چنین کند، همه آن‌چه خورده، نوشیده، سوار شده و ازدواج نموده، بر او حلال خواهد بود و در غیر این صورت، حرام می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۲، ص ۳۰۵).

مصادیقی چون حرمت شکار بیش از حد نیاز و نیز حرمت سفری که به قصد این نوع صید انجام می‌شود (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ص ۵۱) به صراحت، گویای اهتمام شارع مقدس نسبت به حفظ حیات وحش و پرهیز از استفاده افراطی و بی‌قاعده از مواهب خدادادی است.

۴-۳. حرمت افساد و تخریب محیط زیست

در برخی از آیات قرآن کریم تخریب محیط زیست و منابع طبیعی در زمین، هم‌سنگ با افساد شمرده شده است، «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف، ۸۵)، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵). اطلاق این آیات به وضوح و با شدت تمام مرتکبین تخریب و مسببین نابودی منابع خدادادی در زمین را مصداق «افساد فی الأرض» می‌داند و در مقام بیان، تمامی نسل‌های انسانی را از هر نوع تعدی، تعرض و آلودگی در حرث و نسل، اعم از حیوانات، گیاهان و نباتات برحذر می‌دارد. تبیین چنین بینشی آن هم با الهام از آموزه‌های اسلامی و به ویژه قرآن کریم، نیازمند قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت عملی در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی به صورت برنامه‌های پیش‌گیرانه، بازدارنده و هدفمند است.

دین اسلام مسأله محیط زیست را در چنان جایگاهی می‌بیند که در زمان جنگ و درگیری با دشمن نیز هرگونه صدمه، تخریب و نابود ساختن محیط زیست اعم از بریدن درختان، نابودی کشتزارها یا کشتن حیوانات را غیرمجاز و مکروه اعلام می‌دارد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۲۵).

۴-۴. دعوت به حفظ محیط زیست و نهی از تخریب آن

علامه طباطبائی کلمه «عرف» را در آیات آمده به معروف و ناهی از منکر چنین معنا می‌کند: واژه «عرف» به معنای سنت‌ها و سیره‌های زیبایی است که عقلای جامعه آن را می‌شناسند. در مقابل «عرف» یا «معروف»، رفتارهای نادر و غیر مرسوم است که عقل اجتماعی آن‌ها را بر نمی‌تابد که به آن در اصطلاح «منکر» گفته می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۵).

شرح مقدس اسلام نیز در کنار عقل و حرکت عقلایی جامعه، مصمم به ارائه برنامه‌ها و راهکارهای فکری و عملی و دعوت همگانی به جلوگیری از تهدید و تخریب سرمایه‌های طبیعی حیات موجودات در زمین است. روشن است که با این نگاه، دلالت آیه شریفه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۱۰۴)، بر مصادیقی چون حفاظت و مراقبت از محیط زیست و حراست از منابع حیاتی مانند آب، خاک، هوا، نبات و...، بدیهی و گویا خواهد بود و آن را یکی از بارزترین نماد عمل نیک بشمار آورد، و امر به آن را هم ضروری دانست. از سوی دیگر ناسپاسی و مسئولیت‌ناپذیری در برابر محیط زیست را منکر قلمداد کرده و از آن نهی نمود.

۴-۵. مسئولیت حکومت اسلامی در حفاظت از محیط زیست

امیرالمؤمنین علی (ع) مهم‌ترین وظیفه حاکم اسلامی را سازندگی و آبادانی زمین دانسته که بر انباشتن خزانه کشور، برتری دارد، زیرا درآمد بدون آبادانی، حاصل نمی‌گردد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین و با توجه به ضرورت مورد اشاره، دولت اسلامی می‌بایست در ارتباط با رابطه انسان با محیط زیست، امور زیر را سرلوحه مدیریت کشور در امر محیط زیست قرار دهد:

۱. وضع قوانین زیست محیطی لازم برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و سیاست‌گذاری برای توسعه پایدار و گسترش منابع طبیعی با بهره‌گیری از سیاست‌های کلان اقتصادی و فرهنگی.
۲. فرهنگ‌سازی در صیانت از محیط زیست، آموزش و ترویج اخلاق زیست محیطی.

۳. بکارگیری افراد شایسته، متخصص و دلسوز در اداره محیط زیست.
۴. پیشگیری و مجازات تخریب‌کنندگان طبیعت برای تأمین منافع عمومی.
۵. تهیه جدیدترین ابزارها، لوازم و بکارگیری بهترین شیوه‌های حفظ محیط زیست.

۵. همکاری‌های زیست محیطی از منظر لیبرالیسم و رئالیسم

نظریات رئالیستی و لیبرالیستی به عنوان نظریات مسلط و غالب در عرصه اجرائی و عملی روابط بین‌الملل محسوب می‌گردند. هر یک از این نظریات در تحلیل و تبیین مسائل روابط بین‌الملل و ارائه راهکار، نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند.

در چارچوب نظریه‌های لیبرالیستی، تاکید خاصی بر گسترش دموکراسی، بازار آزاد، نقش نهادهای بین‌المللی، تعدد بازیگران بین‌المللی، وابستگی متقابل و امکان همکاری و هم‌گرایی صورت می‌گیرد (Hendrickson, 2003: p.100).

علی‌رغم این ادعاها، یکی از دلایل اصلی عدم تحقق عملی توسعه پایدار و فقدان اثربخشی چارچوب‌ها و شاخص‌ها، تداوم تسلط مبانی معرفتی و فکری نظام سرمایه‌داری است که عرصه را بر توسعه پایدار تنگ کرده و به آن بیشتر، حالت نمادین داده است. این در حالی است که دستیابی به پایداری در گرو تغییرات اساسی در سبک‌های زندگی، الگوهای مصرف، استفاده از منابع و نظام‌های اقتصادی است. ارزش‌های ضروری برای سوق دادن جامعه به سمت پایداری از قبیل عدالت، انسجام و احترام به محیط زیست و محدودیت‌های آن، در تناقض با ارزش‌های ماتریالیستی و خودخواهانه نظام اقتصادی و جامعه مصرف‌کننده است (Dahl, 2012: p.14-19).

در مقابل، از منظر رئالیسم، همکاری‌های بین‌المللی و توجه به حقوق بین‌المللی تا آنجا اهمیت دارد که در جهت تأمین منافع دولت‌ها باشد. رهنمود هابزی^۱ برای رفتار بین‌المللی بر این اساس است که دولت‌ها آزادند تا هدف‌های خود را در رابطه با سایرین بدون محدودیت‌های قانونی یا اخلاقی از هر نوع دنبال کنند. بر اساس این رویکرد، ایده‌های مربوط به اخلاق و قانون تنها در چارچوب جامعه معتبر است، ولی حیات بین‌المللی و رای محدودیت‌های هر نوع جامعه است. اگر قرار است هدف‌های اخلاقی و یا

قانونی در سیاست بین‌الملل تعقیب شود، این وضعیت صرفاً می‌تواند در چارچوب اهداف اخلاقی و یا قانونی خود دولت باشد (Wight, 1992: p.30).

۶. همکاری‌های بین‌المللی حفظ محیط زیستی در اسلام و چالش قاعده «نفی سبیل»

۶-۱. هم‌افزایی و تعاون

همکاری و هم‌افزایی میان جوامع، آن هم با صبغه انسانی و نه طبقه، نژاد و آیین، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تعاون و همکاری بین‌المللی، تنها ضامن پیشبرد اهداف عالی در مسایل کلان بین‌المللی است. کتاب آسمانی مسلمانان در این زمینه، تعاون را بر اساس «نیکی و پرهیزگاری» تکلیف همگانی قرار داده و از همکاری در جهت «گناه و ستیزه‌جویی» برحذر داشته است، «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده، ۲). در ابواب مختلف فقه اسلامی نیز از «اصل تعاون» در انواع گوناگون آن سخن به میان آمده است. حتی در مواردی به صورت صریح و مستقیم به همکاری با غیر همکیشان اشاره شده است، مانند قبول ولایت از طرف حاکم غیر صالح در جایی که قبول آن به بسط عدالت و نیکی در جامعه کمک نماید (طباطبائی، بی‌تا: ص ۳۱۶). چنان که صاحب کتاب عناوین معتقد است، امر به تعاون بر نیکی در حقیقت، امری ارشادی به حکم عقل مبنی بر مطلوب بودن همکاری و کمک در خوبی‌هاست، در نتیجه قابل تخصیص نیست که بتوان فاسق و کافر را از تحت آن خارج نمود (حسینی مراعی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۵۸۲) و آن را مختص به مسلمانان و همکاری درون دینی نمود. با توجه به موارد ذکر شده از علمای اسلامی، بدیهی است که همکاری و همیاری در حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن، اعم از ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، یکی از مصادیق برتر تعاون بر نیکی به حساب آید.

۶-۲. صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

عوامل بسیاری در طبیعت و در بین بشر وجود دارد که هر یک از آنها مستقلاً و یا منضمناً در ایجاد بحران زیست محیطی نقش دارند. آنچه مسلم است اینکه جنگ‌ها و تنازعات بشری، نقش برجسته‌ای در تخریب محیط زیست ایفا می‌کنند.

از طرف دیگر، ریشه و عوامل تعیین‌کننده تخصیصات را باید در زیاده‌خواهی، سلطه‌جویی، منفعت‌طلبی، بی‌عدالتی، توهین و تکفیر مقدسات یکدیگر و... در نظامات بشری دانست.

بی‌شک پرداختن به همکاری‌های بین‌المللی در جهت حفظ محیط زیست مستلزم رفع چالش‌های پیش روی بشر که منجر به جنگ و درگیری در سطوح مختلف می‌شود، خواهد بود. راهکارهای مهمی در عرصه بین‌الملل و روابط بین انسانی را می‌توان ترسیم کرد که افق تازه‌ای را در سطح ملی و جهانی برای جامعه بین‌الملل رقم زد و زندگی آرامش‌بخش و مسالمت‌آمیزی را در بین بشر به ارمغان آورد. در ادامه به دیدگاه اسلام و راهکارهای آن پیرامون روابط انسانی اشاره خواهد شد. اما قبل از آن به مکتوب برخی پژوهشگران پرداخته می‌شود که با تقسیم روابط اجتماعی به افقی و عمودی معتقدند: اگر روابط در میان اعضای جامعه افقی باشد، همبستگی میان افراد بیشتر می‌شود. اما هرچه به طرف ساخت روابط عمودی حرکت کنیم، زمینه اضمحلال انسجام اجتماعی فراهم‌تر می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ص ۷۶).

منطق اسلام در مواجهه با زندگی بشر و مخلوقات الهی در روی زمین، منطقی مبتنی بر رشد و کمال در سایه آرامش، صلح و دوستی بین ابناء بشر است. شناخت و تبیین درست و صحیح این بینش، تحول شگرفی را در جامعه و نظامات اجتماعی رقم خواهد زد. اسلام با احترام و پاس داشتن کرامت انسان‌ها با هر دین و آیین، نژاد و طبقه، کشور و... زمینه بروز صلح و دوستی، آسایش و آرامش را به وجود آورده است. لذا، هرگونه بی‌احترامی و توهین، به ویژه نسبت به معتقدات و مقدسات همدیگر را که باعث ترویج دشمنی و خشونت است، ممنوع و حرام شمرده است. اسلام ظلم و تبعیض را که ریشه بسیاری از تضادها، تعارضات و تخاصمات است، به شدت نهی می‌کند، تا جایی که شهید اول، حرمت آن را از موارد توافق میان همه امت می‌داند (شهید اول، ۱۴۰۰ق: ج ۱، ص ۶۱). محقق اردبیلی نیز هر فعل - ولو فعل واجب - که زمینه‌ساز دشمنی و دشنام به خداوند و یا اولیای دین شود را حرام می‌داند و معتقد است عقل نیز بر آن گواهی می‌دهد (اردبیلی، بی‌تا: ص ۳۴۰).

۶-۳. قاعده «نفی سبیل»، چالش هم‌گرایی و هم‌افزایی

یکی از چالش‌های مهم در روابط جامعه مسلمانان با جوامع غیرمسلمانان، وجود قاعده «نفی سبیل» در فقه اسلامی است. این قاعده که در بین فقیهان از قواعد مسلم و محکم شمرده شده، کاربرد بسیاری در ابواب مختلف فقه پیدا کرده است (شیرخانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹).

این قاعده که بر اساس آن، راه هر نوع نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... باید مسدود شود، نخست در سطح مسائل فردی مطرح بود، رفته‌رفته بسان یک

قاعده سترگ در فقه سیاسی و تنظیم روابط بین‌الملل اسلامی نقشی کلیدی و غیرقابل انکار بر عهده گرفت و در پی آن احکام و فتاوی‌ای بسیاری بر محور این قاعده صادر شد. به عنوان نمونه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخی فقیهان برجسته بر تدوین و تطبیق آن با اسلام نظارت داشته‌اند، در اصول متعدد به ویژه اصل یکصد و پنجاه و دوم، به محتوای این قاعده اشاره شده است.

بنابراین، با توجه به مفهوم و دامنه قاعده «نفی سبیل» در فقه اسلامی، قوانین و مقرراتی که به منظور حفظ حقوق عامه، مانند حق حیات در محیطی سالم وضع گردیده و یا عضویت و مشارکت در پیمان‌ها و مجامع بین‌المللی حفاظت از محیط زیست که ریاست آن را فردی غیر مسلمان به عهده دارد را می‌توان از ذیل عنوان «نفی سبیل» به دو صورت خروج تخصصی (حکمی) و یا خروج تخصصی (موضوعی) تصویر نمود.

بنابراین، اولاً، بر طبق قاعده اصولی تعلیق حکم به وصف، مشعر به علیت است، می‌توان چنین برداشت نمود که کافران با وصف کفرشان سلطه‌ای بر مؤمنان با وصف ایمان ندارند. به عبارت دیگر، اگر منشاء سلطه کافران بر مؤمنان به علت کافر بودنشان باشد، قاعده «نفی سبیل»، مانع از این سلطه خواهد بود. اما اگر دارای وصف دیگری چون ریاست اداره یا کارخانه و غیره باشند، دلیل «نفی سبیل» شامل آن‌ها نخواهد شد. از این رو چنان که سید مرتضی معتقد است: منافاتی نیست در اینکه کافر به دلیل برخورداری از عنوانی مستحق تشکر و قدردانی شود و به دلیل کفرش مستحق سرزنش باشد، هرچند این شکرگزاری موجب تعظیم او گردد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۳۷۴). لذا، این قاعده نمی‌تواند محدودیتی در همکاری‌های بین‌المللی به ویژه آنجا که متضمن منافع عموم بشر و در خصوص محیط زیست است، محسوب شود. چرا که «نفی سبیل»، نفی سلطه یک‌جانبه‌ای است که از خاستگاه نفسانی و مستکبرانه سلطه‌گر سرچشمه گرفته و راهی برای استعمار و استثمار مسلمانان است.

ثانیاً، جایگاه حفظ نظم و انتظام جامعه و بقای حیات بشر در اسلام بسیار مهم است. تا جایی که در چهارچوب حفظ نظام معیشت و جلوگیری از اختلال در آن، اشتغال به برخی از مشاغل که نظام زندگی مردم بر آن استوار بوده، واجب شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۳۷). این دسته از واجبات را «واجبات نظامیه» گفته‌اند، به این دلیل که نظام و سامان گرفتن زندگی وابسته به آن است (علامه حلی، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ص ۱۰۶). ضرورت برقراری نظم و انتظام به قدری است که گاه ناچار خواهیم بود تن به پذیرش حکومت افرادی بدهیم که فاقد صلاحیت فردی لازم برای اداره جامعه هستند و یا حکومت حاکم

غیرمسلمان را مصلحت بدانیم (رشتی، ۱۳۱۶: ص ۵۱۳)، چرا که خطر هرج و مرج و ناامنی به مراتب از حکومت فرد بدکار بیشتر است.

باید توجه داشت، حتی اگر خوانش عام از قاعده «نفی سبیل» که شامل انواع سلطه حقوقی و قانونی می‌گردد را بپذیریم، در این صورت مقرراتی که با ملاک نظم و حفظ حقوق اجتماعی افراد وضع شده، تخصیص قاعده «نفی سبیل» در قالب تعهد است. علاوه بر آنکه تلاش در زمینه حفظ نظاماتی مانند نظام زیست سالم و پاک و معیشت و کسب‌وکار و قوانین راندگی و...، که متضمن بقای حیات، سلامت و معیشت مردم است، واجب و لازم و از مصادیق تعاون بر برّ و تقوا بوده که در آیه ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى﴾ (مانده، ۲) همکاری در آن، مورد تأکید قرار گرفته است.

۷. نتیجه‌گیری

محیط زیست نقشی حیاتی در تداوم زندگی بشر بر روی کره زمین دارد و باید همگان در حفظ و حراست از آن اهتمام جدی داشته باشند. بدون شک علاوه بر راهکارهای تجربی در صیانت از محیط زیست، یافته‌های دینی نیز در پشبرد این هدف تأثیر مطلوب و سازنده‌ای در بینش عملی عموم جامعه به‌ویژه مسلمانان و پیروان ادیان ایفا خواهند نمود.

پژوهش حاضر با استفاده از مبانی اسلامی در بخش نظری، طبیعت جهان را از مواهب الهی دانسته که باید انسان برای حفظ حیات و بقای خویش و تمامی موجودات بهترین روش را در بهره‌برداری از آن بکار گیرد. در عین حال این بینش، آدمی را با مبداء هستی پیوند داده و در مواجهه با طبیعت و مسائل زیست محیطی علاوه بر تبعیت از قواعد و اصول اسلامی، اتصال و ارتباط با شریعت را با وصف عقل و نقل برقرار می‌سازد.

در بُعد عملی با استناد به قواعد و اصول اسلامی بیان شده، اسلام، احکام و دستوراتی در حوزه محیط زیست دارد که هر کدام از آن‌ها مانع جدی در به وجود آمدن بحران‌های زیست محیطی خواهد بود. اصولی چون اصل اباحه و لزوم حفظ توازن در طبیعت، اصل مصلحت و قواعدی چون قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و قاعده تسبیب و سیره عقلاء، مسئولیت‌های آحاد افراد بشر را در جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست و همچنین میزان بهره‌برداری از آن را تعیین و اثبات می‌نمایند.

در ادامه دستورالعمل‌ها و راهکارهای اسلام در حفاظت از محیط زیست از جمله چگونگی استفاده صحیح و بهینه از طبیعت، پرهیز از اسراف، افساد و اتلاف منابع و مسئولیت‌پذیری و حفظ و حراست از

سرمایه‌های حیاتی و همچنین شیوه مدیریت نهادهای قدرت در حفاظت از محیط زیست، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

در پایان پژوهش نیز با خوانشی صحیح از چالش‌های موجود در هم‌افزایی و همکاری‌های بین‌المللی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بشر در کنار یکدیگر، معیار عمده و ارزنده در تحصیل اجماع حقیقی و حقوقی در دنیای معاصر معرفی شد.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن ادريس حلّی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زیده البيان فی احکام القرآن*. قم: المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق). *کتاب مکاسب*. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: آل البيت، ج ۵. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه*. قم: مرکز نشر اسلامی، ج ۲.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰ق). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۵. رشتی، میرزا حبیب الله (۱۳۱۶ق). *التعلیقہ علی مکاسب الشیخ الانصاری*. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنانومی جامعه، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریف مرتضی (۱۴۰۵ق). *وسائل الشریف المرتضی*. قم: دارالقرآن الکریم، ج ۲.
- شهید اول (عاملی)، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق). *القواعد و الفوائد*. نجف: بی نا، ج ۱.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالک الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۳.
- شیرخانی، علی (۱۳۹۷). *تفسیر سیاسی از آیه نفی سبیل*. *سیاست متعالیه*، ۶(۲۳).
- طباطبایی، سید محمد (بی تا). *کتاب المناهل*. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.
- عمیق، محسن؛ حسینی، سید فضل الله (۱۳۹۲). *اخلاق زیست محیطی در اسلام*. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷۲.
- محمدزاده رهنی، محمدرضا (۱۳۸۹). *بررسی مبانی حفاظت از محیط زیست*. *فقه و تاریخ تمدن*، ۶(۲۵).
- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. تهران: مکتبه الصدر، ج ۱-۲.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳۷.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام*. قم: دفتر نشر اسلامی.

Dahl, A.L. (2012). Achievements and gaps in indicators for sustainability. *Ecological Indicators*, 17: p.14-19.

Hendrickson, D.C. (2003). The Lion and the Lamb: Realism and Liberalism Reconsidered. *World Policy Journal*, XX(1).

Wight, M. (1992). *International Theory: the three Traditions*. N.y. Holmes & Meier.